



آیت الله جوادی آملی: نقش برنامه‌های گروهی مذهبی در شکوفایی خرد جمعی

آیت الله جوادی آملی در بخشی از کتاب «شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی» به تبیین جایگاه مراکز مذهبی در شکوفایی عقل جمعی پرداخت و اظهار داشت: تنهایی اندیشیدن، نماز را فرادا اقامه کردن و تنهایی بر مصیبت خاندان پیامبر گریستن، گرچه ثواب دارد و نیکوست، ولی برای شکوفایی عقل جمعی کافی نیست.

آیت الله جوادی آملی در بخشی از کتاب «شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی» به تبیین جایگاه مراکز مذهبی در شکوفایی عقل جمعی پرداخت و اظهار داشت: تنهایی اندیشیدن، نماز را فرادا اقامه کردن و تنهایی بر مصیبت خاندان پیامبر گریستن، گرچه ثواب دارد و نیکوست، ولی برای شکوفایی عقل جمعی کافی نیست.

به گزارش خبرگزاری مهر، آیت الله عبدالله جوادی آملی، در کتاب «شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی» به تبیین جایگاه مراکز مذهبی در شکوفایی عقل جمعی پرداخت و اظهار داشت: خاندان پیامبر(ص) میدان دار و کانون دانشند؛ «فبادرو العلم... عن مستثار العلم». مستتار، مرکز تجمع مردان انقلابی است. بنابراین، باید مراکز مذهبی چون مسجد و حسینیه رونق داشته باشد و تنهایی اندیشیدن، نماز را فرادا اقامه کردن و تنهایی بر مصیبت خاندان پیامبر گریستن، گرچه ثواب دارد و نیکوست، ولی برای شکوفایی عقل جمعی کافی نیست.

حضرت امام علی(ع) از اهل بیت عصمت(ع) چنین فرموده است: خاندان پیامبر(ص) میدان دار و کانون دانشند؛ «فبادرو العلم... عن مستثار العلم». مستتار، مرکز تجمع مردان انقلابی است. بنابراین، باید مراکز مذهبی چون مسجد و حسینیه رونق داشته باشد و مردم در آن گرد هم آیند تا با تضارب اندیشه ها و تبیین حقایق و آموزه های دین خرد جمعی بارور شود.

تنهایی اندیشیدن، نماز را فرادا اقامه کردن و تنهایی بر مصیبت خاندان پیامبر گریستن، گرچه ثواب دارد و نیکوست، ولی برای شکوفایی عقل جمعی کافی نیست. سفارش هایی که درباره شرکت در برنامه های گروهی مانند حضور در مسجد و نمازهای جمعه و جماعت و کنگره بین المللی حج شده است، همگی برای شکوفایی خرد جامعه است. بدون رشد علمی جامعه، اقتدار ملی به دست نمی آید؛ زیرا ملت خردمند آزادانه می اندیشد و آزاده وار زندگی می کند. چنین ملتی، نه خود را بر دیگری تحمیل می کند و نه تحمیل دیگران را می پذیرد.

شرکت در مراسم مذهبی و عزاداری سالار شهیدان، فواید و منافع بسیار دارد؛ چنان که امام حسین(ع) فرمودند: کسی که به سوی ما بیاید - یعنی در مجالس مذهبی حضور یابد - کتاب های مربوط به ما را بخواند و سنت و سیرت ما را بیاموزد، از چهار فایده، بهره مند می شود:

۱. با آیات محکم الهی و جهان بینی و معارف توحیدی آشنا می شود.
۲. اگر ادراک عمیق معارف دینی میسر او نبود، داستان های عدالت آموز و تعدیل امور و قوا را می آموزد.
۳. اگر ادراک او در مرحله پایین تری بود، هماهنگی اجتماعی و آداب برادری و دوستی و آیین داد و ستد را فرا می گیرد.
۴. اگر به هیچ یک از این ها دست نیافت، دست کم از همنشینی با عالمان برخوردار می شود و مشکلاتش را در حضور آنان رفع می کند یا گرفتار مشکلات تازه نمی شود. البته کمال استفاده در جمع بین فواید چهارگانه است؛ وگرنه به مقدار توان باید بین آن ها جمع نماید؛ «من أثنانا لم یعدم خصله من أربع: آیه محکمة و قضیه عادله و أخاً مستفاداً و مجالسه العلماء».

بنابراین رهنمود، برنامه های تبلیغات اسلامی و و محافلی که به اسم امام حسین(ع) گرم و روشن است، باید درباره معارف بلند توحید، نبوت، معاد و دیگر اصول اعتقادی یا در زمینه شناساندن احکام شرع یا پیرامون سنن و آداب اخلاقی و اجتماعی از دیدگاه اسلام باشد یا در کنار این مسائل علمی و مجالس علمی، برادری اتحاد و محبت نصیب افراد شرکت کننده یا خواننده کتاب های مربوط شود و نیز بر اثر دیدار با عالمان و مجالست با آنان، ادب علمی و اجتماعی فرا گرفته شود؛ وگرنه بهره این تبلیغات و محافل از لحاظ پیوند با سالار شهیدان منتفی یا اندک خواهد بود.

حضرت حسین بن علی(ع) در روایت دیگری فرمودند: کسی که خاندان پیامبر(ص) را دوست بدارد، از این خاندان به شمار می آید؛ «من أحینا کان منا اهل البیت». عرض کردند: از خاندان شما به شمار می آید: آری، «منا اهل البیت» و سه بار این عبارت را تکرار کردند. سپس فرمودند: مگر سخن ابراهیم خلیل را نشنیده اید که فرمود: «فمن تبعنی فإنه منی»

افزون بر آن، خداوند ابراهیم را پدر موحدان جهان خوانده است؛ «ملة ابراهیم» بنابرین، مسلمان واقعی، فرزند معنوی حضرت ابراهیم(ع) است و فرزند معنوی انسان های کامل و معصوم، از اهل بیت آنان محسوب می گردند. تنها سلمان نبود که از لقب پرافتخار «سلمان منا اهل البیت» بهره مند شد، بلکه بسیاری از مردان و زنان جهان اسلام به این لقب مفتخر شدند.

آیاتی از سوره دهر که شامل فضایل اهل بیت(ع) می شود، فضه را هم در بر می گیرد: «و یطعمون الطعام علی حبه مسکینا و

اسیرا و یتیم». امام صادق(ع) نیز درباره عیسی بن عبدالله از بزرگان قم که محدثی نامور بود، فرمودند: «منا أهل البيت».

گفتنی است: همه مطالب گذشته، از آن اصل دارج و حکم رایج نبوی است که فرمودند: «أنا و علی ابوا هذه الأمة»؛ زیرا به استناد آن اصل، پیروان راستین اهل بیت اطهار(ع) فرزندان معنوی آن ذوات نوری محسوب می شوند و فرزند هر اُسره و خاندانی از آن دوده و خانمان به شمار می آید.

فایده دیگر حضور در مراکز مذهبی، اثر شگرف آن در تطهیر جان و تهذیب نفس است. قرآن کریم درباره این مراکز می فرماید: در آنجا مردمانی هستند که تطهیر ضمیر و صفای دل را دوست می دارند؛ «فیه رجال یحبون أن یتطهروا و الله یحب المطهرین». تفاوت میان مسجد و مدرسه این است که مدرسه مکان دانش آموختن است؛ ولی مسجد، افزون بر تعلیم و تعلم روح نیز پرورش می یابد و از آلودگی ها و تیرگی ها پاک می شود.

چون قرآن و عترت همتای همد، هر جا که از معارف قرآن یا مآثر عترت سخن به میان می آید و مردان وارسته ای به علم و عمل آن ها مبادرت می کنند، بارزترین مصداق کلام خدای سبحان است که فرمود: «فِی بُیُوتِ أَذِنَ اللّٰهُ أَنْ تُرْفَعَ وَیُذْکَرَفِیْهَا اسْمُهُ یُسَبِّحُ لَهُ فِیْهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ * رَجُلًا لَا تُلْهِیْهُمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَیْعٌ عَنْ ذِکْرِ اللّٰهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِیتَاءِ الزَّكَاةِ یَخَافُونَ یَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِیْهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ».

حسینیه، کانون صرف اشک و آه و مویه بدون معرفت نیست، بلکه جایگاه شناخت و آموزش است. اشکی که از روی اندیشه و خرد جاری شود، چونان چشمه زلال زمزم به انسان، شجاعت و شهامت و صفای باطن می بخشد.

کسی که از سر عاطفه محض و احساس خام می گرید، گریه اش ذلیلانه است و اجر و ارزش چندانی ندارد. جناب حافظ که سرود:

اشک حرم نشین نهان خانه مرا زان سوی هفت پرده به بازار می کشی

مرادش اشکی است که از چشمه خرد می جوشد و روان می شود. قطره ای از این اشک، آتش های جهل و کینه را خاموش می کند و به جامعه روشنایی می بخشد.

کسی که با شنیدن مارش عزا اشک می ریزد، با شنیدن یک طنز نیز قهقهه می کند و از محتوای طنز آگاهی کامل ندارد عاطفانه کار می کند؛ اما کسی که عارفانه متأثر می شود و سخن می گوید، قبض و بسط وی و بطش و نشط او عاشقانه است. اهتمام به جریان کربلا را باید در سیرت و سنت اهل بیت عصمت(ع) بررسی کرد. امام سجاد(ع) پس از واقعه کربلا چندین سال زندگی کرد و هرگز نخندید. برخی از بانوان بازمانده آن واقعه، هرگز زیر سقف و سایه نرفتند.

پیامبر گرامی (ص) شصت سال پیش از حادثه عاشورا گریستند و حضرت امام علی(ع) بیست سال پیش از آن اشک ریختند. او کسی بود که تیر از پایش کشیدند و شمشیر زهر آلود بر فرق مبارکش فرود آوردند و گریه نکرد؛ لیکن در مظلومیت امام حسین(ع) گریه کرد. همه این اندوه ها عارفانه است؛ زیرا امامت و خلافت الهی آنقدر گرامی است که از مهجوریت آن باید انبوهی از اندوه را تحمل نمود.

امام حسن(ع) فرمودند: «انا قتیل العبرة، لا یدکرنی مؤمن الا استعبر»؛ یعنی باید در مصیبت آن حضرت(ع) آنقدر گریست که اشک از چشم جاری شود و همه پهنای صورت را فرا گیرد. چنین گریه ای بذر محبت سالار شهیدان را در دل های شیعیان آبیاری می کند.